

## پیش بینی کیفیت روابط زناشویی براساس مولفه‌های هوش معنوی(زندگی معنوی و اتکاء به هسته درونی) در زوجین شهر اصفهان

مینا آذرنیک<sup>۱</sup>، اصغر آقایی<sup>۲</sup>

### چکیده

**مقدمه:** روابط زناشویی جزء مولفه‌های اساسی در تضمین سلامت روان شناختی اعضا و زوجین می‌باشد. بنابراین شناسایی متغیرهای مؤثر بر داشتن کیفیت مناسب در این‌گونه روابط امری لازم و ضروری خواهد بود. لذا هدف از پژوهش حاضر، پیش بینی کیفیت روابط زناشویی زوجین شهر اصفهان براساس مولفه‌های هوش معنوی(زندگی معنوی و اتکاء به هسته درونی) می‌باشد.

**روش:** تعداد ۵۰ زوج به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه‌های هوش معنوی عبدالله زاده و همکاران (۱۳۸۷) و کیفیت روابط زناشویی باسبی و همکاران (۱۹۹۵) بود.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد بین هوش معنوی و زیرمقیاس‌های آن (درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی) با کیفیت روابط زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $P < 0/01$ ) یافته‌های تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ابعاد هوش معنوی(زندگی معنوی و اتکاء به هسته درونی) به صورت مثبت کیفیت روابط زناشویی را پیش بینی می‌کنند ( $P < 0/01$ ).

**نتیجه‌گیری:** براساس نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد که باید در آموزش‌های پیش از ازدواج به مؤلفه‌های اساسی در ایجاد روابط زناشویی مناسب و با کیفیت، توجهی خاص مبذول نمود.

**واژه‌های کلیدی:** هوش معنوی، کیفیت روابط زناشویی، زوجین شهر اصفهان.

---

<sup>۱</sup>کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران

mazarnik@yahoo.com

<sup>۲</sup>استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران

aghaeipsy@gmail.com

## مقدمه

خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، در پی تشکیل زندگی زناشویی و با هدف تامین نیازهای والای انسانی و منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان شکل می‌گیرد. اما آنچه از خود ازدواج و تشکیل خانواده مهم‌تر به نظر می‌رسد، کیفیت روابط زناشویی<sup>۱</sup> بعد از ازدواج می‌باشد، چرا که خانواده و رضایتمندی والدین به عنوان دو ستون اساسی و تعیین کننده، در قالب بنیانی موثر، جهت تامین سلامت روان شناختی، جسمانی، عاطفی، اجتماعی و رشد ابعاد متنوع انسانی ایفای نقش می‌کند (بات<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). یکی از ابعاد روابط زوج‌ها، کیفیت روابط زناشویی است که نقش اساسی در ارزیابی کیفیت کلی ارتباطات خانوادگی دارد (برادبوری، فینچام و بیچ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

کیفیت روابط زناشویی مفهومی چند بعدی است و شامل ابعاد گوناگون مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد می‌شود (تروکسل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). در مولفه‌ی سازگاری اشخاص متاهل، تضاد را کنترل کرده و با یکدیگر کنار می‌آیند، و این سازگاری به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر میزان رضایت طرفین از ازدواج تأثیرگذار خواهد بود. رضایت یک حالت هیجانی است که با رسیدن به هدف پدید می‌آید (محسنی و صالحی، ۱۳۹۱). عوامل و متغیرهای ایجاد کننده روابط زناشویی با کیفیت به شکل دوسویه و متقابل منجر به بروز حالت روان‌شناختی مانند شادکامی می‌گردد. شادکامی به عنوان مجموعه‌ای از عواطف و ارزیابی شناختی از زندگی است و درجه‌ای از کیفیت زندگی خواهد بود که بطور کلی مثبت ارزیابی می‌شود (رجاس، ۲۰۰۷). اما تعهد به معنای وفادار بودن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، وقایع خوشایند و ناخوشایند زندگی و نیز تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و بر پایه‌ی قصد و نیت است (قنبری هاشم آبادی، حاتمی ورزنده، اسمعیلی و فرحبخش، ۱۳۹۰). در کنار همه متغیرهای سازنده‌ی روابط زناشویی کیفی و مناسب باید به عوامل ایجادکننده‌ی سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد نیز توجه نمود، یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده‌ی پویایی‌های روابط زناشویی، گرایش‌های معنوی زوجین می‌باشد، مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی، برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط گاردنر<sup>۵</sup> مطرح شد (امونز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰) و بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها

---

<sup>۱</sup> - quality of the marital relationship

<sup>۲</sup> - Batt

<sup>۳</sup> - Bradbury, Fincham, & Beach

<sup>۴</sup> - Troxel

<sup>۵</sup> - Gardner

<sup>۶</sup> - Emmons

و ظرفیت‌های منابع معنوی می‌باشد که کاربرد آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق-پذیری فرد شود (کینگ، ۲۰۰۸). کینگ (۲۰۰۸) معتقد است که هوش معنوی ظرفیت و توانایی منحصر به فردی را در شخص ایجاد می‌کند تا معنا را در زندگی درک کند (زندگی معنوی) و به موقعیت‌های معنوی بالاتر راه یابد (اتکاء به هسته درونی)، و شامل چهار عامل تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی (توانایی استفاده از تجارب فیزیکی و روحی جهت ایجاد معنا و هدف شخصی)، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری. هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت و عطوفت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد (الکینز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). چنان‌که یافته‌های متعدد گویای ارتباط مثبت و قوی میان کیفیت روابط زناشویی و هوش معنوی می‌باشد. بطور مثال سیبولد و هیل<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که باورهای مذهبی، آیین‌ها و تعهدات، با نتایج مثبت مانند بهبود کیفیت زندگی بهتر، بهزیستی، سلامت جسمی و روانی، رضایت زناشویی و زندگی پایدار و عملکرد و کارایی مثبت مرتبط هستند. همچنین سعیدی، کیمیایی، برزگر و رضاپور (۲۰۱۴) نقش واسطه‌گری هوش معنوی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی را انجام دادند. یافته‌ها نشان داد در زوج‌های ناباور بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سازگاری زناشویی رابطه منفی و بین هوش معنوی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که طرحواره ناسازگار، کاهش طرح و درک معنای شخصی، بزرگترین نقش را در پیش‌بینی سازگاری زناشویی دارند. که همسوی با یافته‌های پژوهشی (بهنام مقدم، هاشمی، بیرامی و یاریان، ۲۰۱۴؛ حسین دخت، فتحی آشتیانی و تقی‌زاده، ۱۳۹۳ و حمید و زمستانی، ۱۳۹۲) می‌باشد. ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است و به عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است. علیرغم اینکه ازدواج رضایت بخش و روابط زناشویی مناسب یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه محسوب می‌شود، ولی چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی شرایط نامساعدی برای ارضاء نیازهای روانی زوجین ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه اثرات منفی و گاهی جبران‌ناپذیر به‌جا می‌گذارد که اختلالات عصبی، افسردگی و خودکشی از پیامدهای اختلالات خانوادگی می‌باشد (اکبری‌دهکردی، ۱۳۹۱). ازدواج موفق باعث ارضای بسیاری از نیازهای جسمانی و روانی افراد می‌شود و در صورت شکست، زن و شوهر به ویژه فرزندان آنها با ضربه روانی شدید مواجه

---

<sup>1</sup> - Elkins

<sup>2</sup> - Seybold & Hill

می‌شوند. از این رو بررسی کیفیت رضایت زناشویی و عوامل موثر در بروز و حفظ این متغیر عاملی قدرتمند در جهت حفظ و ابقای کیان خانواده در راستای وظیفه پرستاری و صیانت از نسلی سالم و بارور خواهد بود. آگاهی از متغیرهای موثر در داشتن رابطه زناشویی موفق کمک می‌کند تا زندگی‌های زناشویی رنگ و بوی معنوی‌تری به خود گرفته و زوجین تمسک به نگرش‌های معنوی را راهی جهت غلبه بر مشکلات و معضلات زندگی بدانند و با گرایش به معنویت کیفیت روابط زناشویی خود را بالا ببرند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر پیش بینی کیفیت روابط زناشویی براساس مولفه‌های هوش معنوی (زندگی معنوی و و اتکاء به هسته درونی) می‌باشد.

## روش پژوهش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است که از نظر ماهیت، کاربردی و از نظر هدف از نوع پیش بینی است. هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس مولفه‌های هوش معنوی (زندگی معنوی و و اتکاء به هسته درونی) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین استان اصفهان در ۱۵ منطقه می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای از بین ۱۵ منطقه شهر اصفهان به تصادف ۵ منطقه از شرق، غرب، شمال، جنوب و مرکز انتخاب و از هر منطقه ۱۰ زوج به صورت تصادفی با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش و رضایت آگاهانه در نتیجه فراخوان دعوت به همکاری در کار پژوهشی در مجموع ۵۰ زوج انتخاب شد، چرا که براساس نظر دلور (۱۳۹۳) در پژوهش‌های رابطه‌ای و پیش‌بینی برای هر یک از متغیرها ۱۵ نفر کفایت می‌کند، بنابراین با توجه به تعداد متغیرها حجم نمونه به تعداد ۴۵ نفر کفایت می‌کند. اما در جهت افزایش اعتبار بیرونی پژوهش تعداد افراد به ۱۰۰ نفر افزایش یافت. پس از تکمیل گروه نمونه پرسشنامه‌های مربوطه در یک جلسه با لحاظ زمان استراحت و گفت و گوی آزاد در دو قسمت اجرا شد. جهت رعایت اخلاق در پژوهش از سوالات مربوط به اطلاعات شخصی پرهیز شد و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات آنها بصورت محرمانه باقی خواهد ماند و از این اطلاعات صرفاً در جهت یافته‌های پژوهشی استفاده می‌شود. ضمن اینکه به آنها نیز اطمینان داده شد که آنها را در جریان یافته‌های پژوهشی قرار خواهیم داد.

در این پژوهش از ابزار ذیل استفاده شد: ۱- پرسشنامه هوش معنوی<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط عبدالله زاده، کشمیری و عرب احمدی (۱۳۸۷) با ۲۹ سوال و دو عامل اصلی جهت سنجش هوش معنوی افراد

---

<sup>1</sup> - spiritual intelligence scale

ساخته شد. عامل اول با ۱۲ سوال (۱، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۲۴، ۲۷، ۲۹) "درک و ارتباط با سرچشمه هستی" و عامل دوم با ۱۷ سوال (۲، ۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸) "زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی" نامیده شد. این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) بصورت مستقیم نمره گذاری می شود. پایایی آزمون در مرحله نهایی پرسشنامه روی ۲۸۰ نفر گروه نمونه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد. برای بررسی روایی، علاوه بر روایی محتوایی صوری که سوالها با نظر متخصصان تایید شده و در تحلیل عاملی نیز استفاده شده، همبستگی کلی سوال ها بالای ۰/۳۰ گزارش شده است.

۲- پرسشنامه کیفیت روابط زناشویی<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط باسبی، کران، لارسن و کریستنسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) با ۱۴ سوال و سه خرده مقیاس همفکری و توافق (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، رضایت (۷، ۸، ۹، ۱۰) و انسجام (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴) جهت سنجش کیفیت روابط زناشویی ساخته شد. این پرسشنامه به صورت لیکرت ۶ درجه ای از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۰) بصورت مستقیم نمره گذاری می شود (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵). پایایی پرسشنامه به شیوه ی آلفای کرونباخ در مطالعه ی هولیست و میلر<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) از ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. یوسفی در پژوهشی به بررسی مشخصات روانسنجی این پرسشنامه را براساس ضریب پایایی همسانی درونی از جمله آلفای کرونباخ و تصنیف برای ۱۴ ماده و سه عامل در کل پرسشنامه (به ترتیب با مقدار ۰/۹۲ و ۰/۸۹) رضایت بخش گزارش نمود. همچنین ضرایب روایی همگرای کیفیت زناشویی با پرسشنامه رضایتمندی زناشویی، پرسشنامه ارزیابی همبستگی زوجین و مقیاس سازگاری توافق دو نفری به ترتیب (۰/۳۹ و ۰/۳۶ و ۰/۳۳) بدست آمده است.

روش آماری از نوع همبستگی و رگرسیون بود و برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های آمار توصیفی (نظیر میانگین و انحراف معیار) و روش های آماری استنباطی برای آزمون میزان پیش بینی-کنندگی مولفه های هوش معنوی در متغیر کیفیت رضایت زناشویی استفاده گردید.

## یافته های پژوهش

در جدول ۱ فراوانی و درصد فراوانی گروه نمونه پژوهش، برحسب جنسیت، ارائه شده است.

<sup>۱</sup>- quality of the marital relationship scale

<sup>۲</sup>- Busby, bound, Larsen & Christensen

<sup>۳</sup>- Holist & Miller

جدول ۱: یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	۱۰۰	۵۳/۷۱	۵/۷۴
زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی	۱۰۰	۶۹/۳۱	۱۰/۶۱
کیفیت روابط زناشویی	۱۰۰	۴۴/۵۲	۱۱/۵۸

جدول شماره ۱ به توصیف کمی متغیرهای پژوهش در زمینه میانگین و انحراف معیار اشاره می کند.

جدول ۲: ماتریس همبستگی مولفه های هوش معنوی (درک و ارتباط با سرچشمه هستی، زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی) و کیفیت روابط زناشویی

متغیرها	درک و ارتباط با سرچشمه هستی	زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی	کیفیت روابط زناشویی
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	۱		
زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی	۰/۷۲**	۱	
کیفیت روابط زناشویی	۰/۳۸**	۰/۴۵**	۱

\*\*P<0/01

متناسب با یافته های مذکور در جدول ۲ همبستگی می توان ابراز نمود که بین متغیر درک و ارتباط با سرچشمه هستی ( $r=0/39, P<0/01$ ) و زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی ( $r=0/46, P<0/01$ ) با کیفیت روابط زناشویی زوجین رابطه ای مثبت و معنادار برقرار می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت هر چه نمره زوجین شهر اصفهان در متغیرهای درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی بالا رود، کیفیت روابط زناشویی نیز افزایش می یابد.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی در پیش بینی کیفیت روابط زناشویی

منبع پراکنش	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	R	R <sup>2</sup>
رگرسیون	۲۸۶۷/۰۶۵	۲	۱۴۳۳/۵۳۳	۱۳/۳۵۰	۰/۴۶	۰/۲۲
باقی مانده (خطا)	۱۰۴۱۵/۸۹۵	۹۷	۱۰۷/۳۸۰			
کل	۱۳۲۸۲/۹۶۰	۹۹				

همانطور که جدول ۳ نشان می دهد، مولفه های هوش معنوی در مجموع قادر به پیش بینی ۲۲ درصد از واریانس کیفیت روابط زناشویی در زوجین شهر اصفهان هستند.

جدول ۴: ضرایب تاثیر مولفه‌های هوش معنوی در پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی

متغیرها	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	ضریب تاثیر	تفاوت میانگین‌ها
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	۰/۲۳*	۰/۲۶	۰/۱۱	۰/۸۹
زندگی معنوی، اتکا به هسته درونی	۰/۴۰*	۰/۱۴	۰/۳۷	۲/۸۳

$P \leq 0.05$

متناسب با یافته‌های مذکور در جدول ۴ می‌توان ابراز نمود که ضریب بتای هر دو مؤلفه درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی، اتکا به هسته درونی در سطح  $0.05$  معنادار است، که می‌توان نتیجه گرفت درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی، اتکا به هسته درونی به ترتیب  $0.23$  و  $0.40$  از قابلیت پیش‌بینی متغیر کیفیت روابط زناشویی را به خود اختصاص می‌دهند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس مولفه‌های هوش معنوی (درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی، اتکا به هسته درونی) در زوجین شهر اصفهان صورت پذیرفت. که همسوی با یافته‌های پژوهشی (سیبولد و هیل، ۲۰۱۴؛ پارگامنت، ۲۰۱۰؛ سعیدی، کیمیایی، برزگر و رضایور، ۲۰۱۴؛ بهنام مقدم، هاشمی، بیرامی و یاریان، ۲۰۱۴؛ حسین دخت، فتحی آشتیانی و تقی‌زاده، ۱۳۹۳ و حمید و زمستانی، ۱۳۹۲) می‌باشد.

در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان اذعان نمود که: رفتارهای مذهبی از طریق ایجاد و امید به نگرش‌های مثبت باعث آرامش درونی فرد می‌شوند. باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت‌های متعارض را در زندگی زناشویی به دلیل تفاوت‌های شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی که در زندگی زوجین وجود می‌آید را کاهش می‌دهد به طوری که اغلب افراد که معنای زندگی و تفاوت‌های ناشی از آفرینش را دریافت کرده‌اند، ارتباط خود را با خداوند مانند ارتباط با یک دوست بسیار صمیمی توصیف می‌کنند و معتقدند از طریق اتکا و توسل به خداوند، می‌توان اثر موقعیت‌های غیرقابل مهار را کنترل نمایند. بنابراین مذهب و اتکا به عالم هستی و درک معنایی ماورای معنای ظاهری و دنیوی می‌تواند به شیوه‌های فعال در رفع موانع ارتباطی زناشویی، مؤثر باشد. به عقیده ویلیام جیمز دعا، نماز و اتصال با روح عالم خلقت دارای کارکردهای زیادی است. کاری است با اثرات و نتایج مختلف شگفت‌انگیز، ایجاد یک جریان قدرت و نیرویی که به طور محسوس دارای آثار مادی و معنوی می‌باشد. در همین راستا سیبولد و هیل (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که باورهای دینی، آیین‌ها و تعهدات، با نتایج مثبت مانند بهبود کیفیت زندگی بهتر، بهزیستی، سلامت

جسمی و روانی، رضایت زناشویی و زندگی پایدار و عملکرد و کارایی مثبت مرتبط هستند. حتی عواطف مذهبی بر مزاج‌های مالیخولیایی فائق شده و به روح انسان حالت مقاومت و پایداری خاصی می‌بخشد و به امور زندگی ارزش، درخشندگی و پایداری می‌دهد (نوابخش و یوسفی، ۱۳۸۵).

جهان‌بینی و نظام ارزش‌های انسانی که از تمایلات معنوی ناشی شده و اعتقادات، احساسات و آیین‌های ما را در برمی‌گیرد نقش اساسی در چگونگی رفتار و نگرش فرد به پدیده‌های مختلف از جمله ازدواج و روابط زناشویی دارد. پذیرش واقعیت‌ها، شکیبایی و تحمل هنگام رویارویی با مسائل و مشکلات بستگی زیادی به جهان‌بینی فرد و چگونگی ارتباط او با جهان هستی (معنویت) دارد. اگر کلام خداوند را بپذیریم که همه انسان‌ها با هم برابرند و تنها معیار ارزش تقواست، افق دیدمان از روزنه‌ی تنگ و تاریک این دنیای فانی فراتر می‌رود و در پرتو چنین بینشی زیبایی‌ها، زشتی‌ها، مطلوب‌ها، نامطلوب‌ها و استثناها همه به گونه‌ای دیگر معنا می‌یابد. به نحوی که پارگامنت (۲۰۱۰) نقش روان‌شناختی مذهبی را در کمک به مردم برای درک و کنار آمدن با رخداد‌های زندگی توصیف نموده است. اعتقادات دینی می‌تواند در ایجاد احساس امید، احساس نزدیک بودن به دیگران، آرامش هیجانی، فرصت خودشکوفایی، احساس راحتی، مهار تکانه، نزدیکی به خدا و کمک به حل مشکل و ایجاد آرامش در فرد مؤثر باشد. بنابراین ایمان به خدا موجب می‌شود، نگرش فرد به کل هستی هدفدار و دارای معنی باشد، نداشتن ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته و همین امر موجب ضعف و منشاء اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود. دینداری باعث صبر و بردباری، احساس همدلی و انعطاف‌پذیری در روابط با دیگران می‌شود که این ویژگی‌ها در روابط زن و شوهر نقش دارند و موجبات سازش در زندگی را فراهم می‌آورند. آموزه‌های دینی و اعتقادات مذهبی سرمنشاء اتصال به منبع لطف لایزال بوده و افراد را در مواجهه با مسائل و دشواری‌های زندگی دعوت به صبر و شکیبایی و تصمیم‌گیری‌های درست براساس عقل و دین می‌کند، در واقع داشتن روحیه‌ی معنوی در زندگی و مفهوم زندگی معنوی دربردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. لذا زندگی معنوی چنان توانی را در فرد ایجاد می‌کند که زمینه‌های بروز نگرش‌های بدبینانه و رفتارهای ناشایست را در زندگی از بین می‌برد و تعهد زناشویی را تقویت می‌کند و کمک می‌کند تا زوجین با اعتقاد بر وجود موجودی ماوراءطبیعی از انجام برخی کارها و رفتارها دوری کنند و و رذیلت‌ها را ناشایست بدانند و به دنبال فضیلت‌ها باشند که این خود اعتماد زوجین به یکدیگر را افزایش می‌دهد و سبب ایجاد خرسندی و



نشاط در زندگی زناشویی می‌شود. و این اصول اخلاقی در مکاتب دینی در نتیجه قائل شدن به حقوق قانونی برای زن و ایجاد حق زناشویی برای زن و مرد می‌باشد که منجر به عدالت زناشویی شده و همین امر امنیت خاطر را در زنان ایجاد می‌کند، راهبردهای مواجهه با مشکلات زندگی براساس ارتباط قوی و معنوی با پروردگار مسأله‌مدار بوده و از برخوردهای هیجانی و تکانشی جلوگیری می‌کند چرا که از طرق متفاوت تأکید بر حفظ کیان خانوادگی صورت می‌گیرد. و این امر به دلیل نقش هوش معنوی در شکل‌گیری گرایش و عواطف دینی همسان و هماهنگ بین زوجین می‌باشد و از این طریق زمینه همدلی و بهزیستی روانی را تقویت می‌کند و این امر باعث ایجاد ظرفیت و توانایی منحصر به فردی در اشخاص شده تا معنا را در زندگی درک کنند (زندگی معنوی) و به موقعیت‌های معنوی بالاتر راه یابد (اتکاء به هسته درونی)، در همین راستا حسین دخت و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند بین هوش معنوی و بهزیستی معنوی، با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت و عطف بیشتر به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد. براساس نتایج بدست آمده از پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس مولفه‌های هوش معنوی، زندگی معنوی و اتکاء به هسته درونی قابلیت پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بالایی را دارند، بدین معنی که با داشتن هوش معنوی بالاتر مطمئناً از کیفیت روابط زناشویی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود، بنابراین لازم به نظر می‌رسد که در دوره‌های آموزش پیش از ازدوج و حتی در دوران ابتدایی یادگیری افراد آموزش مؤلفه هوش معنوی را نباید نادیده گرفت و دوره‌های آموزشی رسمی را باید لحاظ نمود، ضمن اینکه در مشاوره‌های پیش از ازدواج یکی از معیارهای اصلی در انتخاب زوج مناسب را هماهنگی زوجین در داشتن هوش معنوی متناسب بدانیم تا از ایجاد مشکلات زناشویی ناشی از فقدان هوش معنوی جلوگیری به عمل آید. با توجه به مطالعات انجام شده، پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه ارتقای هوش معنوی به زوجین کمک شود تا رضایت زناشویی بیش‌تر و بهتری را تجربه نمایند. همچنین با توجه به نقش هوش معنوی در پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی پیشنهاد می‌شود که به دستورات دینی بیشتر توجه شود و با آگاهی دادن به افراد جامعه در زمینه اثرات تدین و معنویت در زندگی از میزان اضطراب و تنش‌های زندگی افراد کاسته شود و زمینه آرامش روحی و روابط زناشویی مطلوب در آنها فراهم گردد. و نیز مشاوران و درمان‌گران خانواده در درمان مددجویان هوش معنوی را به عنوان یک متغیر کلیدی مورد توجه قرار دهند و سعی کنند با تقویت افکار دینی و معنوی به مددجویان کمک نمایند. در راستای انجام این پژوهش می‌توان به

محدودیت هایی همچون مختص بودن یافته های پژوهشی به شهر اصفهان و محدودیت در تعمیم نتایج اشاره نمود.

## منابع

اکبری دهکردی، علی. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین، مجله علوم رفتاری، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۶۱.

حسین دخت، آرزو؛ فتحی آشتیانی، علی و تقی زاده، محمداحسان. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی، روانشناسی و دین، سال ۶، شماره ۲، صص ۷۴-۵۷.

حمید، نجمه و زمستانی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و ویژگی های شخصیتی با کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی، مجله پزشکی هرمزگان، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۳۵۵-۳۴۷.

دلاور، علی. (۱۳۹۳). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.

عبدالله زاده، حسن؛ باقر پور، معصومه؛ پورمهرانی، سمانه و لطفی، محدثه. (۱۳۸۸). هوش معنوی مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن، تهران: انتشارات روان سنج.

عیسی نژاد، امید؛ احمدی، سید احمد؛ اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۹). تاثیر غنی سازی روابط بر بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین شهر اصفهان. مجله علوم رفتاری، ۴، (۱)، صص ۱۶-۹.

قنبری هاشم آبادی، بهرام؛ حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه ی بین سبک های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۰-۳۹.

محسنی، مهران و صالحی، بهبود. (۱۳۹۱). رضایت اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات آرون.

نوابخش، مهرداد و پوریوسفی، حمید. (۱۳۸۵). نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان. مجله پژوهش دینی، ۱۴، ۹۴-۷۱.

Behnammoghadam, A., Hashemi, T., Birami, M. & Yarian, S. (2014). Relationship of Marriage Satisfaction and religious beliefs, Emotional intelligence and Coping Strategies in Veterans and Physical Handicaps, Journal of Public Health. 6(4): 131-136.

Bradbury, T., Fincham, F., & Beach, S. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. Journal of Marriage and Family, 62, 964-980.

Busby, D. M., Crane. D. R., Larson. J. H., & Christensen. C. (1995). A revision of the Dyadic Adjustment Scale for use with distressed and no distressed couples: Construct

- hierarchy and multidimensional scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 21, 289-308.
- Elkins, M. R: (2004). Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holistic Nursing practice*, 18(4): 179-186.
- Hollist, C., & Miller, R. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54, 46-58.
- King, D. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure Applications of modeling in the Natural and social sciences program. Trent university. Canada.
- Paragament, K. I. (2010). *The psychology of religion and coping*. New York: Guilford press.
- Rojas, m. (2007). Heterogeneity in the relationship between income and happiness A conceptual-referent-therapy explanation. *Journal of Economic psychology*. 28(3): 1-14.
- Saeidi, F., Kimiaei, S.A., Barzgar, K. & Rezapoor, Y. (2014). The relationship between early maladaptive schemas and marital adjustment: the spiritual intelligence as a mediator. *Reef Resources Assessment and Management Technical Paper*, 40(1): 434-440.
- Seybold, k. s; Hill, p. c. (2014). The role of religion and spirituality in mental and physical health. *Current Directions in Psychological Science*, v 10, p. 21-24.
- Troxel, W. M. (2006). *Marital Quality, Communal Strength, and Physical Health*. Doctoral Thesis. University of Pittsburgh.